

بسم الله الرحمن الرحيم

درباره هویت زنانگی

جنگالی‌ترین موضوع عصر مدرنیته در همه قلمروهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حقوقی و خانوادگی همانا تعریف هویت زنانگی و حقوق آن در همه عرصه‌هاست. این موضوع در اکثر مناظرات انتخاباتی و مجادلات ایدئولوژیک در رأس امور قرار دارد و حتی در بسیاری از انقلابات نیز نقشی تعیین کننده ایفا نموده است.

ما در مجموعه آثارمان در این باب از جنبه‌های گوناگونی به تفصیل سخن نموده‌ایم و در اینجا فقط سرفصل‌ها را مرور می‌کنیم تا بیانیه‌ای آخرالزمانی حاصل شود. زیرا به دلیل تنوع و پیچیدگی این موضوع و دیالکتیکی بودن رابطه زن و مرد در مجموعه آثارمان نظریات و حقایق کثیری رخ نموده که گاه متناقض هم به نظر می‌رسند و لذا استنباط‌هایی ضد و نقیض از آثار ما در این باره رخ نموده است.

به لحاظ روانشناختی، زن باطن مرد و بخصوص همسر خویش است و لذا این دو به مثابه آئینه یکدیگرند که به‌سوی هم سنگ می‌اندازند. در کلام الهی در کتابش آمده که خداوند برای هر کسی از جنس نفسش همسری قرار داده است و برحسب رشد و تکامل و تغییراتی که هر کسی در جریان زندگی می‌یابد لذا زن و شوهر مستمراً از جنس یکدیگر آفریده می‌شوند و لذا می‌فرماید برای هر کسی همسری را از نفس خودش می‌آفرینیم! که این سخن از خلقت جدید است که پس از ازدواج آغاز می‌گردد و لذا هر کسی پس از ازدواجش به کلی دگرگون می‌شود.

و اما مقوله برابری هویتی و حقوقی و اخلاقی زن و مرد در این دوران ادعائی است که جز احمقان و شیادان و فاسقان باورش نمی‌کنند و هیچ‌کدام از متفکران بزرگ تمدن غرب نیز چنین باوری نداشته‌اند از افلاطون تا هگل و نیچه و هایدگر و فروید!

قصه برابرسازی زن با مرد یک خدعه شیطانی از جانب نظام مدرن صنعتی و سرمایه‌داری بود تا نیمی از جامعه بشری را هم به جرگه کارگران و بلکه کارگرانی بسیار ارزان‌تر وارد کنند که صد البته خدمت رایگان جنسی او نیز همواره در نزد کارفرمایان مدنظر بوده است. پس این برابرسازی به‌غایت سودآور و استثمارکننده و جنایت‌بار بوده است که زنان عصر جدید را به‌غایت هلاکت و ذلت و بردگی تن و روح و جنسیت کشانیده است. پس این یک برابری شیطانی و به‌غایت ضد انسانی و ضد زن بوده است که جز زنان احمق و تباه شده باورش ندارند. آنانکه مقام و منزلت و عزت همسری و مادری خود را به پای سرمایه‌داری و نظام صنعتی سر بریده‌اند که خود را تبدیل به پادوهای ارزان و تن‌فروشان انتحاری

ساخته‌اند. و این همه مکافات و عذاب ولایت ناپذیری زن مدرن نسبت به همسر خویش است تا آنجا که مادريت خود را هم يك بدبختی بزرگ تلقی می‌کند.

درباره ولایت زناشوئی بسیاری سخن نموده‌ایم که خلاصه‌اش اینست که زن به‌دلیل مسئولیت سنگین بارداری و مادريت نيايستی مسئولیت مادی و دنیوی دیگری به دوش بکشد پس بایستی کل دنیای خود و مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی خود را به همسرش محول کند و در این امر به او اعتماد نماید و از او تبعیت و اطاعتی قلبی داشته باشد تا این تعامل به عزت و محبت متقابل برسد و زن به‌جای خر حمالی در امور دنیوی به رشد معنوی و اخلاقی و روحی و علمی و هنری و عاطفی خود بپردازد تا هویت مادري و زایمان را که قلمرو خلق جدید انسان است به ذات حق تعالی پیوند زند و خدائی گردد.

بنابراین زنانی که پذیرش ولایت شوهر را در امور دنیوی برای زن ذلت و بدبختی و حقارت و بردگی می‌خوانند یا زیادی احمق هستند و یا زیادی تبه‌کار و فاسقند و دشمن هویت معنوی و روحانی زن و خصم دین خدا و فطرت الهی انسان می‌باشند. زیرا ولایت دنیوی مرد بر زن تماماً زحمت و حمالی مرد و عزت و تعالی و سروری زن است. و نشانه‌اش هم اینست که همه زنان مردستیز و ضد ولایت مرد، تدریجاً در طول زندگی به قعر انواع مفاسد اخلاقی و روابط جنسی نامشروع و کثیف و بردگی جسمی و روحی سقوط می‌کنند و مابقی عمر را هم به لعنت خود می‌پردازند که چرا با مرد به عداوت برخاستند. همه زنان فمینیست از مفلوک‌ترین و دیوانه‌ترین و افسرده‌ترین زنان عصر جدید هستند که اوج عزت و افتخارشان اینست که تبدیل به روسپی‌های اشرافی می‌شوند و هم‌خوابه هر شب خود را به سلیقه خود انتخاب می‌کنند و این است معنای آزادی و استقلال زن مردستیز و فمینیست!

این حقیقتی مسلم و تجربه شده در تاریخ جوامع مدرن جهان است که عقل و اراده مادی و دنیوی و اقتصادی - سیاسی زن از مرد ضعیف‌تر است و در این امور بدون نظارت و مشورت مردی خردمند همواره دچار ورشکستگی و رسوائی و ندامت می‌شود. این یک حقیقت تجربه شده در سراسر جهان است که زن در عرصه آزادی‌های اجتماعی بدون ولایت و نظارت مردش، موجودی ویرانگر و خطرناک و سست عنصر است و به‌سرعت خود را نابود می‌کند و بازیچه فاسقان می‌شود.

برابری زن و مرد بزرگترین کلاهی است که نظام سرمایه‌داری جهان بر سر زن مدرن گذاشته و او را تبدیل به یک تفاله جنسی کرده و او را از عشق همسر و فرزندانش محروم نموده و منفور کل خاندانش ساخته است. و چه خسران و لعنت و حقارتی بزرگتر از فقدان عشق در هویت زن است. زنی که نگاه عاشقانه و غیورانه مردش را ننگ و بردگی می‌داند و آن‌را انکار و طرد می‌کند و آنگاه در کوچه و خیابان و بازار و محیط کار و فضای مجازی در به‌در به جستجوی جلب نظر دیگران است یک موجود مسخ شده در زیر دست و پای شیاطین انسی است یعنی شیاطین در صورت مردانی که جز هرزگی نگاه دیگری به زن نمی‌شناسند.

در دین مبین اسلام و خاصه مذهب قدسی امامیه، زن آخرین و عالی‌ترین و برترین قلمرو تجلی جمال پروردگار است که همه قدسیان بر او سجده می‌کنند. و این اجر عظیم برای تقوای فزاینده زن و حفظ عصمت تن و نگاه و دل و اطاعت صادقانه از ولایت شوهر است طبق حقوق الهی! حتی اگر این شوهر خود مردی جاهل و کافر و شقی باشد ولی چنین زنی در این اطاعت هیچ خسران و ضرری نمی‌یابد و بلکه اجرش برتر و زمینه تعالیش کریمانه‌تر می‌شود.

آنهایی که به بهانه ازدواج موقت یا چند همسری مردان، به تخطئه دین مبین اسلام می‌پردازند گویی متوجه نیستند که اگر زنی با حفظ حقوق خود مدت چند هفته یا چندماه با مرد همزیستی کند هزار بار عزیزتر از آن است که بدون هیچ عزت و حقوقی هر شبی را با مردی دگر به‌سر برد تا نهایتاً تبدیل به یک روسپی محترم شود که مشتری را خود انتخاب می‌کند! و آنهایی که چند همسری مرد در قرآن کریم را بهانه دیگری برای طرد دین خدا قرار می‌دهند گویی متوجه نیستند یا نمی‌خواهند که متوجه باشند که خداوند با صراحت می‌فرماید که: اگر بتوانید عدالت را رعایت کنید می‌توانید تا چهار همسر اختیار نمایید ولی نمی‌توانید این عدالت را رعایت کنید پس به یک همسر قناعت نمایید! در حقیقت خداوند چند همسری و حرامسراگردانی مردان عرب در عصر جاهلیت را بدینگونه باطل ساخته است منتهی نه به جبر و تهدید بلکه به عقل و عدل و اختیار! زیرا چه قدرتی می‌تواند مانع چندهمسری پنهان و آشکار مردان شود. امروزه در سراسر جهان مدرن که شعار تک همسری مرد می‌دهد اکثر قریب به اتفاق مردان در پنهان و آشکار چند رابطه نامشروع دارند. و برای توجیه این فساد خود به زنان خود هم اجازه می‌دهند تا برای خود دوست پسر و فاسق بگیرند. به این می‌گویند برابری زن و مرد!!؟

خداوند زن را از باطن و بطن چپ مرد آفریده است یعنی زن جمال باطن و صورت دل و جلال روح مرد است و اینست که عاشق اوست یعنی عاشق دل و روح خویشتن است. و لذا در واقع هر مردی با باطن خودش ازدواج می‌کند و ازدواج عین واقع و وحدت وجود است و به معنای اتحاد تن و روح انسان با خویشتن است در تجلی بیرونی! این از مقدس‌ترین و معجزه‌بارترین حادثه در آفرینش جهان است. اینست که رابطه زناشوئی در کتاب خدا و دین او تا این حد مهم و مقدس است و اساس شریعت الهی محسوب می‌شود و پایه همه حقوق اقتصادی و اجتماعی و شرعی دیگر گشته است. و لذا هر که این حقوق الهی بین زن و شوهر را رعایت نکند و از آن به هر توجیه عقلی و شرعی و اقتصادی و اجتماعی عدول نماید از کل دین خدا و فطرت الهی انسان سقوط کرده و کافر شده است به خودش و به خدایش.

خداوند در سوره بقره رابطه جنسی زناشوئی را قلمرو لقاءالله خوانده است. پس آیا رابطه‌ای مقدس‌تر از این در جهان هستی وجود دارد؟ «مردان قیوم زنان هستند و زنان مزرعه مردانند و اگر تقوای الهی را در رابطه رعایت کنند آنها را بزودی بشارت به دیدارش می‌دهیم.»

پس ای کسانی که تحت عنوان طرد و لعن آخوند و ملا و انقلاب و ولایت فقیه، به انکار و طرد و لعن کتاب الله و دین خدا و حقوق الهی زناشوئی می‌پردازید بدانید که چه ستم و خیانت عظیمی در حق خودتان مرتکب می‌شوید و بدینگونه خانواده خود را نابود می‌کنید و همه خصم ابدی همدیگر می‌شوید و در دو جهان دچار خسروانی غیرقابل جبران می‌گردید!

یکبار دیگر حجت را بر شمایان آشکار و تمام کردم و خداوند عالمیان را بر این حجت گواه قرار می‌دهیم.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۱/۱۰